

عنوان مقاله:

معنای ماهیت در آثار فارابی

محل انتشار:

دوفصلنامه شناخت، دوره 2، شماره 2 (سال: 1388)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

نصرالله حکمت - دانشگاه شهید بهشتی

فاطمه شهیدی - دانشگاه شهید بهشتی

خلاصه مقاله:

در این مقاله فرض بر این است که ماهیت در دوره های مختلف تاریخ فلسفه معانی متفاوتی داشته و برای فارابی به عنوان واسطه ای میان ارسطو و ابن سینا هنوز اصطلاحات فلسفی استقرار و اشتها کامل را پیدا نکرده اند و جوانب و لوازم آن هویدا نشده اند. برای فارابی ماهیت در عین تمایز، بسیار پیچیده و نزدیک به وجود است. شاهد این مدعا در آثار فارابی جاهایی است که او ماهیت را "چه هستی شیء"، "آنچه هستی شیء به آن است" یا "حصه ای از وجود که متعلق به یک شیء است" و اجزای آن دلالت بر اجزای وجود شیء دارند دانسته است. از نظر فارابی ماهیت نداشتن ملاک موجود نبودن و ماهیت در خارج داشتن ملاک موجود بودن است. به همین دلیل در مورد واجب الوجود تاکیدش بیشتر بر یکی بودن وجود و ماهیت است تا نفی ماهیت از واجب. ماهیت را می توان غیر از "ما هو الشیء" در جواب سوالات "کیف"، "هل" و "ماذا" نیز مشاهده کرد. همچنین فارابی "ذات"، "طبیعت"، "جوهر" (به نحو مضاف)، "انیت"، "حد" و به ندرت "حقیقت" را معادل ماهیت به کار می برد.

کلمات کلیدی:

ماهیت، چه هستی، وجود، تمایز وجود و ماهیت، حد، ذات

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1300085>

